

ثلاث رسائل طبية ؛ النص ؛ ص ۱۲۳

رساله فی شرح هلیج [الکابلی و اخواته]

تألیف

نظام الدین احمد گیلانی

ثلاث رسائل طبية (رسالة فی شرح هلیج الکابلی و أخواته)، النص، ص: ۱۲۵

رسالة فی شرح هلیج الکابلی و اخواته

ثلاث رسائل طبية (رسالة فی شرح هلیج الکابلی و أخواته)، النص، ص: ۱۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش بيقاس مر صانعی را که پیکر بدیع الأساس انسان را بزبور عقل بیاراست و بنفس قوی و حواس آراسته فکر و تدبیر و اندیشه او ساخت تا ببصارت نظارت زمین و مشاهده نباتات و آیات کل ریاحین و تصوّر عجایب؟

مخلوقات و غرایب؟ موجودات و شناختن ادویه عجیبه و عبرت گرفتن از آن آثار و آیات سرّه بوجود مطلق و موجود بحق و معشوق متحقق و خالق و فاعل و جاعل کل برند و درود نامحدود بر سرور کائنات؟ و غایت موجودات محمد علیه افضل الصلوات و اکمل التسليمات و بر آل و اصحاب او باد اما بعد جنین کوید اقلّ عباد الله تعالی نظام الدین احمد الملقّب بحکیم الملک کیلانی که مرا از عنفوان شباب الی الآن که نزدیک بسنّ شیخوخنست همیشه اوقات صرف کسب علوم و کمالات و تحصیل رأس المال و سرمایه امال و حال

ثلاث رسائل طبية (رسالة فی شرح هلیج الکابلی و أخواته)، النص، ص: ۱۲۷

و مال بود بنا برین از وطن غربت اختیار کرد و راه سفر بحر و بر پیمود تا معظم بلاد معمون عراق عرب و عجم و هندوستان سیر نمود و از هر گوشه توشه و از هر خرمنی خوشه و از هر شجری ثمری و از هر معدنی کهری و از هر بحری درّی انتخاب نموده در خزانه خاطری می سپرد و همه جا در سیر و سفر نظر بر تجربه روزگار و شناختن ادویه و اوراق و اصول و قشور و ازهار و اثمار اشجار داشت و بقدر امکان امتحان می کرد تا در هندوستان دوائی یافت که از کثرت خوّاص از اکثر ادویه امتیاز و اختصاص داشت و آن از ادویه قلبیه است و طبع او بارد یابس و قابض و حابس طبعست بالذات و بالعرض و بقوّت عصر مسهل اخلاط و رطوباتست و از خوّاصّ آن اینست که پیر را جوان

می کند و جوان را جوان می دارد قوت اعضا و عشا و عضلات و رباطات می دهد و لحم را سخت و قائم می کند و مفاصل محکم می گرداند و رطوبات

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۲۸

دفع می کند و بول می راند و اعضا را قائم می دارد و دافع اخلاط ستست است و نافع مزاج انسان منقی معده و دماغ و احشا و امعاست و مقوی و مفرح دل و دماغ و معده و جگر اشتهای طعام می آرد و قوه باه می دهد و قضیب قائم می کند و نعوظ می آرد و استرخاء معده و احشا و سستی اعصاب و اعضا را درست و محکم می گرداند رادع اورام است و بازدارنده مواد و مجفف رطوبات آب رفتن از چشم باز می دارد و حمرت آن می برد و خون می بندد و روشنی می افزاید و مو سیاه می دارد و دافع صداعست و مفتح سدد و مقوی کرده و کبد لون را نیکو می کند و طعام هضم می دهد امراض دماغی و سوداوی و وسواس و توخش و صرع و سکنه و سدر و دوار و مالیخولیا و استرخا و لقوه را نافع است و فالج را معالج و اسهال معدی و معوی را حبس می کند و تزخر باز می دارد و بواسیر قلع می نماید و استرخاء مقعد و خروج شبرج را قائم می کند و رباطات

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۲۹

مقعد محکم می گرداند و بواسیر خشک می کند و بواسیر بالکلیه برطرف می کند حرارت کم می کند و تشنکی می نشاند و طعام هضم می کند و دفع فساد می نماید و نعوظ می آورد و امساک می کند رحم پاک و تنک می سازد و؟؟؟ نگاه می دارد و خوردن آن بیش از طعام مسهل است و بالای طعام هاضم و حابس برای رطوبتی مزاج آکسیر اکبر است از خواص عجیبه کثیره او آنچه بتجربه رسیده و آنچه از اطباء هند و جوکیان و جهان دیدگان شنیده شده زیاده از آنست که بجز بیان آید و اسم شریف آن هلیله کابلی است که طبع آن بارد یابس و قابض و حابس است بقوت عفوصت و عصر هم قوت ماسکه می دهد و هم دافعه و خواص اخوان آن از هلیله زرد و سیاه و آمله و بليله نزدیک بآنند در کیفیت و طبیعت و سیاه مسهل تر است مر سودا را و زرد مر صفرا را و مرکب از همه که اطریفل صغیر که معمول حکماء هند است عبارت

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۰

از آنست و معظم ترکیباتست بغایت کثیر المنافعست و آن را طریله خوانند یعنی مرکب آن سه دواء خاص هر که هر هفته يك مرتبه يك توله یا بیشتر موافق مزاج هرکس یا سفوف آن بقدر نیم توله یا بیشتر بملاحظه مزاج بخورد و مداومت نماید هرگز بیمار نشود و این نسبت یا بعضی مزاج بتجربه رسیده است شخصی از اطباء هند حکایت می کرد که پدر من طبیب خوب بود هر روز بعد از طعام يك مثقال سفوف هلیله می خورد قریب صد سال عمر

داشت و بیمار نمی شد آخر غرق شد راقم حروف از آن در حبس اسهال مزمن و جدید مکرر تجربه کرده نفعها مشاهده نموده در اسهال کهنه اول سفوف هلیله می دهم یا اطرینفل که پاک شود و بعد از آن باندک چیز حبس می شود کم آن قابض است و بیشتر مسهل و در زحیر مکرر داده شده بمجرد یکدست عمل که بندقه چند افتاد؟؟؟ و زحیر برطرف شده و خوب شد

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۱

وقتی که در علاج اسهال مشغول بودم و مکرر قابض قوی می دادم قبول نمی کرد و قبض نمی شد مکرر در خواب دیدم که هلیله را بمن می نمایند و گاهی باجماء و اشاره و گاهی تصریح می فرمایند که هلیله استعمال کن چنان کردم مؤثر شده فی الحال چنان تجربه بهم رسیده که در اکثر اسهال تا هلیله نمی دهم قابض نمی دهم الحق مسهل بی مضرتست و هیچ بر هم زدگی در معده در معده نمی کند اندک عسر البلع است که فروردن کرانست بعد از آن اصلا تغییر ظاهر نمی شود بخلاف مسهلات دیگر که بسیار ضعف و انقلاب معده و اضطراب پدید می آید از خوردن آنها تا دفع شود هلیله نزد فقیر بترین دواهاست و چنانکه خود را شاکرد هلیله گفته ام و آن استاد است و مرا بآن اعتماد و باثران اعتقاد و الله اعلم بالصواب جوکیان هند چیزهای غریب و عجیب می گویند که هرکه هلیله کلان درشت

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۲

دست می کرده او را نعوظ می شود و تا در دست دارد امساک می کند هلیله درشت و کلان دیدیم اما این اثر از آن ندیدیم دور نیست که دست گرفتن کنایه از مداومت نمودن خوردن آن باشد که این اثر دارد والد الحكماء استاذ اول که اقلینوس حکیم است و شاکرد حضرت ادریس بنی عصای او می گویند از چوب کاسنی یا خطمی بود یعنی او در علاج باینها اعتماد داشت و این خادم الاطبایا عصای خود از چوب هلیله کرده است الحق از کاسنی اثرهای عجیب و غریب دیده شده است خصوصا در تبها و امراض حادة و استسقا و امراض کبد و دفع تمج و فساد لون و از حکما منقولست که دوائی که هیچ ضرر ندارد و نفع بسیار دارد هلیله است و در استسقا نیز هلیله زرد با تمر هندی دادن احيانا نفع تمام دارد و از بعضی دواها اثرهای عجیب و غریب دیده شده است چنانکه از

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۳

هندانه در امراض حادة و در تبهاء صفراوی و در دفع تشنکی و خشکی و تلین طبیعت و تسکین قلق و اضطراب آب هندانه بمنزله آب حیاتست در بیش فقیر دواء بسیار نفع کم ضرر هندانه است و کلاب و کاسنی بعد از آن تمر هندی که بدل آلوی بخارا راست و اقوی از آن و از ادویه قلبیه است در امراض اندرونی و اسهال هلیله کدبانوی بدنست و در امراض حادة اینها از حکیم علی رحمه الله منقولست که مدّة سه سال تب رعب داشتیم و هر علاج که

می‌کردم برطرف نمی‌شد بعد از آن در علاج توقّف نمودم شی جالینوس حکیم را خواب دیدم می‌گوید که چرا دوی مفردی نمی‌خوری که خالی معده است و غسّال امعا و مسکن صفرا و مرّق خلط و مقوی دل اشتها می‌آرد و حرارت می‌نشانند و خون صاف می‌کند و رقیق می‌گرداند و قلق و اضطراب و تشنکی تسکین می‌دهد بیمیزیکی دهان و خشکی می‌برد درد سر کرم را دواست

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۴

و جگر خشک را باعتدال می‌آرد و کرده و مئانه پاک می‌کند و ادرار بول می‌نماید و صفراوی مزاج را بمنزله آب حیاتست کفتم آن دوی مفرد کدامست که این خاصیت دارد گفت آلوی بخارا بعد از آن قریب جهل روز خیسانیده آب آن می‌خوردم تا تب ربع کهنه برطرف شد راقم حروف نیز بیماری داشت اکثر علاجها که بتجربه رسیده بود نمود مفید نیفتاد بعد از شنیدن این حکایت از حکیم ابو القاسم برادر زن و شاکرد و مرثاء تربیت حکیم علی آن بیمار را آب آلو می‌دادم و گاه قی نیز فرمودم و حمّام می‌بردم تا از آن خلاص شد شخصی دیگر را چهارده ماه تب ربع داشت به آب کدوی مدبّر مطبوخ با آب تمر هندی و یا یک مثقال ریوند دادم در چهار روز خوب شد هرگاه صاحب تب ربع را علاج کرده‌ام بیش از وقت نیم ساعت تریاق فاروق با محلّصه یا برش یا فلونیا می‌دادم و بیش از روز نوبت قی می‌فرمودم بعد از آن یکدو نوبت

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۵

کمتر می‌آمد و برطرف می‌شد الا آن يك شخص که بواسطه پرهیز نکردن و زود علاج فرمودن دراز کشید دیگر ادویه مفرده کثیر المنفعت یکی چند بیدستر است که در ازاله امراض بارده خصوصا برای طفلان آثار عجیب و غریب دیده شده است که مرده را زنده کرده است چنانکه تجربه اکثر اطبا و عجائز هر بلاد و امصار شده است و دیگر شیر زنان در امراض حادّه و امراض عین و تسکین وجع اثرهای غریب دیده شده است چنانکه چند مرتبه صاحب حمّی را که قطع نظر از حیات شده بود و اطبا دست از علاج کشیده بودند راقم حروف شیر زنان در بینی فرمود دوشیدن که بستان در بینی کرده دوشیدند و پارچه از شیر تر کرده بر میان سر گذاشتند و کف دست و پا بآن تر کردند بیمار رفته کثیر الهذیان یکبار خواب رفت و عرق کرد که در نظر مردم کرامت نمود و دیگر شیر شتر و بول شتر و بوی شتر در ازاله

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۶

استسقا عجب دوی مبارکست وقتی در هندوستان قحطی بود از غلّه نارسیده خام خوردن اکثر را دست و پا ورم می‌کرد و بعضی باستسقا می‌کشید همه را شیر شتر میسر نبود بول شتر می‌دادم اکثر خوب می‌شدند و منع آب نموده

عراق اذخر می‌دادیم خوب شدند در دفع سده و رفع تهیج از پوست ترب اثر خوب دیده شد و دیگر ادویه که مفرده بآن نمی‌رسد افیونست که دوی جمیع دردها است و از اعاجیب دواهاست و از ترکیبات کثیر الفواید تریاق فاروق است و دواء المسک و کمونی و دیگری جالینوسی و ارسطو ماخس که فقیر مجرب و مروج اوست و دیگری تبادریطوس که فقیر از این تراکیب تجربهای عجیب و غریب کرده‌ام و اکثر خواص که در شان اینها نوشته‌اند بامتحان درست آمده است شخصی از عورات استسقا داشت و اکثر علاجهای مقرر که در کتب طیبی است کرده شد مفید نیفتاد و تهیج از پا تا بسر رسید

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۷

بمرتبه که در بیشانی انکشت فرومیرفت و آخر قطع امید شده بود نفس باخر رسیده که چند دادم با غسل همان روز تهیج فرونشست و دیگر را دواء المسک خوب کرد و شخصی را رجولیت رفته بود پنج شش ماه اصلا حرکت ندیده بود جوان بود معالجه می‌نمود جلاب منضج سه چهار روز دادم و بعد از ان بجای حبّ دو مثقال تبادریطوس در وقت خواب دادم که صبح بعمل آید و آن جوان در خواب رفت و همان ساعت نعوظ شده برخاست بسیار خوشحال شد صباح پنج شش مرتبه عمل کرد و چنان قوت یافت که از اول بهتر و بیشتر وقتی دیگر سستی بهم رسید باز همان خورد خوب شد و چندین کس را ارسطو ماخس از هیضه و تب بلغمی و ربو و تنکی نفس و نفث دم که بشدت رسیده بود خلاص کرد و از ترکیب جالینوسی برای دفع فساد لون و قوه معده اثرهای خوب کلی دیده شد و از کمونی

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۸

برای دفع برودت و دفع ریاح و قولنج و دفع تب بلغمی مجرب اکثر اطباست و تریاق فاروق مستغنی از شرح و بیان است و از خبث الحديد برای استحکام لثه و دفع بواسیر و قوه معده و فساد لون و قوه جماع و امساک اثرها دیده شده است و از شریتها شربت فواکه اثر خوب در تقویت و دفع ضعف دیده شد و همچنین شربت کاوزیان و در کثرت فواید سکنجبین مستغنی از بیانست و از روغنها روغن کل و بعد از ان زیت و از عرقها کلاب و عرق بیدمشک و کاسنی و رازیانه و فواید رازیانه بسیار است که مصلح خلط است و منقولست از بقراط که هرکه در فصل بهار هر روز يك درم را قند بخورد آن سال بیمار نشود و اگر هر سال بخورد همین فصل هرگز بیمار نشود تا وقت اجل راقم حروف رازیانه را بتجربه باین خاصیت درست یافت برای دفع بواسیر از کزات اثر خوب دیده شده که از مداومت آن بالکلیه برطرف شده

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۳۹

و برای تقویت باه و نعوظ و تقویت بدن و قوت زرده نیمبرشت بسیار مؤثر است و از عجایب چیزهاست برای دفع ضعف در وقت قلت خون برای زیاده شدن خون صالح در بدن و بادبجان و کلم و ترب و کذر و ماست هر کدام مقوی باه‌اند و منعظ و الله اعلم بالصواب و حاصل کلام درین مقام در بیان مرام آنکه هلیله کابلی که در آب اندازند و فرود رود خواص آن آنست که حافظه می‌افزاید و درد سر و استسقا و استرخاء معده و مقعد و رحم و تبهای کهنه و قولنج و اسهال و امراض معدی و معوی و دماغی و سوداوی را علاج است و قطع بواسیر می‌کند و اعصاب و اغشیه و اعضا و رحم را استوار می‌کند و محکم می‌دارد و سده بلغمی می‌کشد و صفرا و سودا و بلغم می‌راند و اندک آن شکم می‌بندد و بریان کرده قوی‌تر است و خمل معده را زایل می‌کند و قوت می‌دهد و بیخ دندان محکم

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۴۰

می‌کند و چشم روشن می‌کند و حواس تیز می‌دارد و هرکه هر روز هلیله بخورد سیاهی مو نگاه می‌دارد و مقدار شربت در مطبوخ پنج مثقال و نقوع هفت مثقال و هلیلهای دیگر باین خواص نزدیکند تا ده مثقال و سفوف دو مثقال تا چهار مثقال و هلیلهای دیگر باین خواص نزدیکند زرد مسهل صفر است و سیاه مسهل سودا و این مسهل همه زرد صفرا بیشتر می‌راند و خفقان دفع می‌کند و مصلح شکنجین است که بشیر مضر است و عناب و سیستان و آلوی سیاه و هلیله سیاه مسهل سوداند و دیگر خواص مثل اخوانست و آمله و بلبله مثل برادراند در اکثر خواص و طبیعت بارد یابس و همه قابض‌اند و اسهال‌شان بعضی است و پوست انار نزدیک باینها و ترش نزدیک‌تر از شیرین در معنی این سه هلیله بمنزله موالید ثلثه‌اند نسبت ببدن انسان در مراتب قوام بدن و با آمله بمنزله عناصر اربعه و ارکان و اخلاط

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح هليلج الكابلي و أخواته)، النص، ص: ۱۴۱

و با بلبله خمسه متحیره در علو رتبت بدن انسان و با غسل و روغن بادام که متمم ترکیب اطریفل‌اند بمنزله سبعة سیاره در تربیت بدن و تصحیح و تقویم و تنویر نفس و قوی و حواس و حفظ و نگاه داشت اجزاء بدن بمقتضی اعتدال لایق بمزاج هر شخص چون غرض بیان بعضی خواص بود که براقم حروف ظاهر شده بجهت اقتصار نمود و ذکر تکریر که در مواضع بقلم آمده برای مبالغه و تاکید است و السلام و الله اعلم بالصواب تم

ثلاث رسائل طبية (رسالة في شرح موميائي كاني به قول محمد بن زكرياى رازي)، النص، ص: ۱۵۱